

حاکمیت قانون و پیامدهای حقوقی حکمرانی خوب در ایران

محمد باقر بهرامی^۱

فریدون اکبرزاده^۲

روح اله شهابی^۳

شیوا جلال پور^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۸



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

حکمرانی خوب از جمله موضوعاتی است که در دو دهه اخیر توجه محافل علمی و بین المللی جهان را به خود معطوف نموده است. نخستین گزاره در نظریه حکمرانی این است که تنها مردم یک کشور می توانند برای توسعه نسخه بنویسند و هیچ تجویزی بدون در نظر گرفتن شرایط بومی، تاریخی و اجتماعی جامعه مفید نخواهد بود، کوچک سازی دولت در رویکرد حکمرانی خوب به توانمند سازی دولت تبدیل شده است و همچنین اداره دولت از روش مدیریت عمومی به حکمرانی عمومی متحول گردیده است. شاخص های حکمرانی خوب عبارتند از: کرامت انسانی، مسئولیت پذیری، پاسخگویی، نظارت و کنترل پذیری، امنیت، عدالت محوری و برابری و مشارکت، در این مقاله ضمن مروری بر ادبیات و پژوهش های انجام شده در زمینه حکمرانی خوب که در طی آن ضمن نگاهی گذرا بر وضعیت حکمرانی خوب در ایران، به بررسی آخرین وضعیت ایران طبق آمارهای سازمان ملل در این زمینه می پردازیم..

واژه‌های کلیدی: حکمرانی خوب، شاخص های حکمرانی خوب، حکمرانی خوب در ایران

۱. گروه علوم سیاسی، واحد بین الملل خرمشهر - خلیج فارس، دانشگاه آزاد اسلامی، خرمشهر ایران، mbbahrami0@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول) F.Akbarzadeh2019@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران Shahabi89@hotmail.com

۴. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران Shiva_jalalpoor@yahoo.com
Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

مقدمه

ساختار دولت در ایران از دو ساختار اجتماعی و فرهنگی نشأت گرفته است (آشوری، ۱۳۷۶: ۳۶-۱۷). همین شکل فرهنگی و اجتماعی باعث به وجود آمدن نوع خاصی از حکومت در ایران شده، که توأمان بر اسلامیت نظام (اصول چهارم^۱ و پنجاه و ششم^۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) و جمهوریت نظام (اصول ششم قانون اساسی^۳) تاکید می شود. قانون اساسی در زمان کوتاه شکل گرفت. از جمله وظایف و کارکردهای قانون اساسی کیفیت توزیع قدرت سیاسی و سازماندهی اقتدار است. که اصول آن در متون قانون اساسی منعکس شده است. در نتیجه، مؤلفه های حکمرانی بایستی در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته و تنظیم گردد. از مفروضات منطقی هر قانون اساسی این است که قانون اساسی بایستی مشتمل بر اصول و احکامی باشد که قاعده سازگاری درونی در آن مورد لحاظ قرار گرفته باشد. از جمله اصول قانون اساسی در مورد حاکمیت، ارزش های بنیادین حکمرانی است که از یک منشاء سر چشمه گرفته و با یکدیگر سازگاری و همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند. برای نمونه در ایران نظریه حاکمیت بیش از هر چیزی نیازمند نظریه حاکمیتی است که سازگاری اصول جمهوریت و اصول اسلامیت را تبیین نماید. فقدان نظریه ای عام الشمول و مورد پذیرش جامعه سیاسی ایران و اجماع نیروهای سیاسی و کارگزاران حکومت از حاکمیت جمهوری و اسلامی، به تفاسیر افراطی یا تفریطی از اصول قانون اساسی منجر خواهد شد (زارعی، ۱۳۸۳: ۱۷۵). شیوهی اداره ی امور عمومی در ایران اغلب بر اساس تمرکز و با قاعده عدم تراکم صورت



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام
جمعه نر اسفند العلام الاسلامی

۳۰

سال دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۹

۱. اصل چهارم قانون اساسی

کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

۲. اصل پنجاه و ششم قانون اساسی

حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرفی که در اصول بعد می آید اعمال می کند.

۳. اصل ششم قانون اساسی

در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می گردد.

می پذیرد^۱. بر اساس تمرکز یعنی؛ کلیه امور کشور به خصوص وضع قوانین، امور مالی و مالیاتی، سیاست خارجی منبعث از مرکز واحد، با ابتکار دولت مرکزی و توسط مأموران آن بر اساس اصل سلسله مراتب کامل انجام می پذیرد. اما بر اساس قاعده ی عدم تراکم، امور محلی از امور تفکیک شده و توسط مأموران مرکزی با رعایت سلسله مراتب کامل، در محل اعمال می گردد. مردم نیز در شکل دهی نهادهای انتخابی مشارکت دارند، که فرآیند انتخابات از مصادیق عینی آن است (قلی پور، ۱۳۸۳: ۹۲). حکمرانی خوب نمی تواند یک نسخه استاندارد باشد. در اینجا الگوی یک "سایز، اندازه ی همه"^۲ مطلوب نیست چرا که حکمرانی خوب در کشورهای مختلف بایستی بر اساس اوضاع و احوال و شرایط فرهنگی آنها باشد. به هر حال اصول بنیادین حکمرانی خوب، جهانی و همگانی است، اجرای آن از کشوری تا کشور دیگر متفاوت است. همه کشورها بایستی حق داشته باشند گونه های ملی متعلق به خود را در زمینه ی حکمرانی خوب مشخص و تعیین کنند. گونه ای که تجربه تاریخی آن ها را مد نظر قرار دهد و بر مبنای نظام ها، فرهنگ ها و ارزش های بومی ساخته شود و منعکس کننده ی واقعیت های روزمره شد (هداوند، ۱۳۸۶: ۷۸). در ذیل به ارزیابی کاربرد مؤلفه های حکمرانی خوب در قانون اساسی پرداخته می شود.

۱-۱ حاکمیت قانون

در ساده ترین بیان، حاکمیت قانون یعنی اینکه انجام هر عملی مطابق قانون باشد. اما این اصل بنیادین را نمی توان تنها در این جمله خلاصه کرد. در مقام تمایز میان حقوقی عمومی و حقوقی خصوصی، حاکمیت قانون را می توان و بایستی در تقابل با حاکمیت اراده قرار داد و بر این اساس آن را ممیزه حوزه ای از حقوق تعبیر نمود که بایسته های حاکم بر آن، تابع اراده افراد نیست. از این نظر گاه، حاکمیت قانون، موجد و معرف صلاحیت ها و نه اراده هاست؛ حاکمیت قانون وضعیت عدم حاکمیت اراده است (امامی، زرگوش، ۱۳۸۷: ۵۵). به بیان دیگر می توان مدعی بود که یکی از دیدگاه های حاکم در حقوق اساسی مدرن که تقریباً تمامی صاحب نظران حقوق و علوم سیاسی بر آن اجماع دارند، اصل حاکمیت قانون است مرکز مالگیری، ۱۳۸۵:

۱. البته این شیوه اداره در مورد شوراها و شرکت ها تا حدی قابل تأمل است.



۶). پیشینه اصل محدودیت حکمرانان را می توان از زمان ارسطو یاد کرد (Rose, 2004: 457). چرا که در آن زمان، سه شرط اساسی برای تحقق دموکراسی و حکومت خوب مطرح بود: یکی، برابری در مقابل قانون است و دو شرط دیگری به ترتیب «حق برابر در دست یابی به کلیه مناصب حکومتی» و «آزادی بیان»، مجموع سه شرط تحقق دموکراسی و حکومت از دیدگاه یونانیان آن زمان است (دو بنوا، ۱۳۷۸: ۲۸). به هر حال می توان مدعی بود که؛ حاکمیت قانون از مهم ترین اصول مطرح و مورد قبول قوانین اساسی تمامی کشورهای دنیا است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تحدید وظایف و اختیارات کارگزاران و برابر شمردن آن ها با دیگر آحاد ملت و همچنین پیش بینی نظارت های متعدد بر دولتمردان، اصل حاکمیت قانون را به رسمیت شمرده است (راعی و عطریان، ۱۳۹۱: ۱۲۳). تساوی و برابری افراد در برابر قانون یکی از ابزارهای حاکمیت قانون می باشد^۱. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر این اصل تاکید اساسی شده است. بند ۶ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از وظایف اصلی دولت را محو هر گونه اشکال استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی می داند. همچنین در اصل ۱۰۷ قانون اساسی با تاکید کردن بر برابری بالاترین مقام سیاسی و اجرایی کشور با دیگران در برابر قانون، اصل حاکمیت قانون به صراحت بیان شده است. اصول مختلفی که در قانون اساسی، مبین وظایف و اختیارات مسئولین نظام است را نیز می توان از جمله اصول مربوط به حاکمیت قانون دانست؛ اصل ۱۱۰ و اصولی همچون: ۱۷۳، ۱۷۰، ۱۵۶، ۱۴۰، ۱۳۸، ۱۳۳، ۱۲۸، ۱۲۵، ۱۱۳، ۷۲، ۷۱ محدوده وظایف و اختیارات کارگزاران نظام اسلامی را تعریف کرده است. از جمله مبانی حاکمیت قانون، شناخت مسئولیت زمامداران در صورت تخطی از قوانین می باشد که در اصول متعددی به آن اشاره شده است؛ مثلا در اصل ۱۱۱ مسئولیت رهبری در مقابل مجلس خبرگان، مورد پذیرش قرار گرفته است. همچنین در اصول ۱۳۴ - ۱۲۲ - ۸۹ - ۸۸ در خصوص مسئولیت سیاسی رئیس جمهور در برابر ملت، رهبری و مجلس شورای اسلامی و در اصل ۱۴۰ در رابطه با مسئولیت قانونی رئیس هیات وزیران توجه شده است. مسئولیت سیاسی وزیران نیز در اصول ۸۹ و ۸۸ و مسئولیت کیفری آنان در اصل ۱۹۰، مورد توجه قرار گرفته است. اصل ۸۴ نیز مبین مسئولیت سیاسی نمایندگان مجلس در



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Women Association
جمعه تر است العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های سیاسی جهان اسلام

۳۲

سال دهم ، شماره چهارم ، زمستان ۱۳۹۹

۱. البته لازم به ذکر است که برابری مورد نظر بانک جهانی بیشتر به معنای همسانی است ولی برابری که در رویکرد اسلامی مطرح می شود بیشتر به معنای حقوق متعادل و هم ارزش می باشد.

مقابل مردم بوده که با توجه به تفسیر شورای نگهبان از اصل ۸۷، می توان مسئولیت کیفری وکلای ملت را نیز از آن استفاده کرد. همچنین اصل ۱۷۱ در خصوص مسئولیت حقوقی قضات در صدور رای و مفهوم خلاف اصل ۱۶۴ در رابطه با مسئولیت کیفری و اداری آنان در صورت ارتکاب جرم یا تخلف نیز جالب توجه است. البته بدیهی است که بدون وجود نظارت موثر و کافی، مسئولیت های مزبور، فاقد ضمانت اجرایی لازم خواهد بود. از این رو اصل ۱۱۱ در خصوص نظارت مجلس خبرگان بر رهبری نظام اسلامی و اصول ۱۳۶، ۱۳۳، ۹۰، ۸۹، ۸۸، ۷۶، ۵۵، ۵۴ و ۵۲ قانون اساسی که مبین نظارت مجلس شورای اسلامی بر قوه مجریه می باشد و اصول ۱۷۳، ۱۷۰، ۱۴۰ و بند ۱۰ اصل ۱۱۰ در ارتباط با نظارت قوه قضائیه بر قوه اجرایی کشور و همچنین اصل ۵۷ و بند ۱ او اصل ۱۱۰ که به نظارت عالی رهبری بر قوای سه گانه اختصاص یافته، قابل توجه است. در این راستا، اصل ۱۶۲ که رسیدگی به اموال و دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان وی و وزرا و خانواده آنها را بر عهده رئیس قوه قضائیه قرار داده تا بر خلاف حق افزایش نیابد، بسیار حائز اهمیت می باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در پذیرش اصل ۵۷، قوای سه گانه را از یکدیگر مستقل در نظر گرفته و در نتیجه قانون اساسی به اصل حاکمیت قانون صحنه گذاشته است (راعی و عطریان، ۱۳۹۲: ۱۲۹-۱۲۸).

۲. مفهوم حکمرانی خوب در حقوق عمومی

مفهوم حکمرانی خوب به دلیل جدید بودن آن هنوز به انسجام و استواری لازم نزدیک نشده و تعبیر مختلفی در مورد آن به کار می رود. برخی تعاریف ویژگیها آن را برمی شمردند و برخی دیگر عناصر آن را؛ به عنوان مثال کارشناسان بانک جهانی با بیان ویژگیها به معرفی آن می پردازند و معتقدند مؤلفههایی چون مشارکت، حاکمیت قانون، پاسخگویی و مسئولیتپذیر، توجه به آرای عموم و توافق جمعی، برابر، اثربخشی و کارایی، چشمانداز استراتژیک حکمرانی خوب را شکل میدهند (سردارنیا و شاکر، ۱۹۸۹: ۶۷) و برخی نیز آن را با عناصرش معرفی می کنند و معتقدند که حکمرانی خوب شامل عناصر زیر است:

در نظر گرفتن تنوع میان افراد، بین سازمان ها و مدیریت نیروها و نهادهای منطقهای و جهان.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسة العالم الاسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای بنیادی جهان اسلام



- پویایی محیط و فرآیندها و تغییر تعاملات میان بازیگران و نهادها .

- عقلایی کردن نقش دولت .

- تقویت افراد، ذینفعان، شهروندان و جامعه مدنی و بخش خصوصی برای قبول نقشها و مسئولیتها جدید.

- ایجاد هم افزایی بین حکمرانی رسمی و خودگردانی غیر رسمی .

- ظرفیت سازی، شامل بهبود منابع انسانی، تقویت خط مشی و ارتقا شراکت در زمینه رشد کارساز اقتصاد و برابر در سطوح جهان، منطقه ها، ملی و محلی (فرازمند^۱، ۲۰۱۱: ۴۳).

کمسیون جامعه ی اروپا تصریح می کند که حکمرانی خوب، متضمن این موضوع است که دولتمردان، نهادها و سازمان ها به حقوق بشر، اصول دموکراسی و قانونمندی، احترام بگذارند (اوتو سانو^۲، ۲۰۰۲: ۱۲۹)

بانک توسعه ی آفریقا حکمرانی خوب را این گونه تعریف می کند: حکمرانی خوب همان حکمرانی شفاف است که بر چهار پایه به هم وابسته یعنی پاسخگویی، شفافیت، قابل پیشبینی بودن و مشارکت استوار می باشد (سانتیسو^۳، ۲۰۰۲: ۱۲).

بر اساس جدید ترین تعریف بانک جهانی، حکمرانی خوب، در اتخاذ سیاستهای پیشبینی شده و صریح حکومت، تصمیمات اداری و سیاسی شفاف، مسئولیتپذیری کارگزاران، پاسخگویی دستگاههای اجرایی در قبال عملکردهای خود، مشارکت فعال شهروندان و همچنین برابری همه شهروندان در برابر قانون تبلور مییابد (کرای و کافلیا^۴، ۲۰۰۷: ۵).

به طور کلی می توان گفت حکمرانی خوب، تعیین کیفیت چگونگی اداره سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور برای رسیدن به اهداف معین شده، مییابد. این مورد در برگیرندهی روشها و راهکارهایی است که شهروندان و سایر کنشگران اجتماعی میتوانند از این طریق، توانایی دنبال کردن علایق و حقوق قانونی خود را داشته باشند (کویمان^۵، ۲۰۰۳: ۷۴).

1. Farazmand
2. Otto sano
3. Santiso
4. Kaufilali& Kraay
5. Kooiman

برخی از صاحب نظران با تلفیق ابعاد سیاسی - حقوقی و اقتصادی مختصات دولت را در الگوی حکمرانی خوب به شرح ذیل بیان می نمایند.

مؤلفه‌ها	خصوصیات
دولت مردم سالار	اصول حاکمیت مردم، حاکمیت دولت به جای تصدی گری آن، شهروند مداری، برابری سیاسی شهروندان، مدیریت شفاف، انتخاب شهروندی، محوریت قانون.
دولت پاسخگو و مسئولیت پذیر	مدیریت پاسخگر، پاسخگویی شهروندی، همراهی مسئولیت و قدرت، نظارت صاحبان اصلی قدرت (شهروندان)، ممیز های مالی و برنامه ای.
دولت مشارکتی	مشارکت آزاد و واقعی، ایجاد تشکل های مدنی قدرتمند، ایجاد رسانه های آزاد و نیرومند، مشارکت دادن شهروندان و سایر کنش گران در فرایند تصمیم گیری.
دولت عدالت محور	دسترسی اقلیت ها به ساختار قدرت، حق برابر شهروندی، مدیریت متکی بر عدالت و انصاف
دولت کارا و اثربخش	مدیریت دولتی متعهد، فزونی نیروهای تحول آفرین، کیفیت و توان بالای نیروی انسانی، مشارکت همه کنش گران در هدف گذاری، نگرش راهبردی و تعیین دقیق راهبرد.

(قلی پور، ۱۳۸۷: ۱۳۱-۱۲۹)

۲-۱. راه های تقویت حاکمیت قانون در ایران

- وجود قوانین شفاف و صریح؛ اگر قوانین گنگ، نارسا و در هم پیچیده باشند و هر کدام دیگری را نقض کنند، نمی توان امیدوار بود که چنین قوانینی در هیچ یک از حوزه های اجتماعی گروهی از مشکلات فردی و جامعه بگشاید بلکه چنین قوانینی خود زمینه ای برای نقض خود قوانین به وجود خواهد آورد.

- اصلاح قوه ی قضائیه: نظام قضایی نیز بایستی اصلاح شود تا بتواند با کار آمدی، سازگاری و عدالت، قوانین را تنفیذ کرده و به این ترتیب استقرار حاکمیت قانون را برقرار و برای شهروندان ابزاری جهت حل و فصل دعاوی و شکایات فراهم سازد (قبرئ، ۱۳۹۱: ۲۸۹).

- برای اجرای قوانین و مقررات ضمانت اجرای لازم پیش بینی شود.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسة العالم الاسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادین اسلام

- اصلاح و تقویت سازمان بازرسی کل کشور.

- استفاده از رسانه های جمعی برای فرهنگ سازی در راستای احترام به قوانین و مقررات و حقوق دیگران.

- قبل از تصویب قوانین و مقررات، پیش نویس آن در اختیار شهروندان به خصوص صاحب نظران آن عرصه قرار بگیرد.

- ایجاد نهادها و سازمان های کار آمد و اثر بخش به عنوان ناظر بر اجرای صحیح قوانین و مقررات

همچنین از اصول اساسی حکمرانی خوب در قانون اساسی می توان به مواردی مانند کرامت انسانی، مسئولیت پذیری، پاسخگویی، نظارت و کنترل پذیری، امنیت، عدالت محوری و برابری و مشارکت نام برد که در زیر به بررسی آن ها پرداخته شده است.

۱- کرامت انسانی

در قانون اساسی، همه ی افراد جامعه صرف نظر از نژاد، زبان، قومیت و جنسیت در تمامی عرصه های اجتماعی از حقوق مساوی برخوردارند (اصول ۱۹، ۲۰ قانون اساسی). از دگر سو، تعرض به جان، مال، حیثیت، مسکن، عقیده و فکر و فعالیت های جمعی در قالب حزب، انجمن و تشکل ها ممنوع است و قانون از آن نگرهبانی می کند (اصول ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶). در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سیستم قضایی برای حراست از حقوق فردی و اجتماعی تمامی شهروندان به صورت مستقل استقرار یافته است. همچنین دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرگونه اعمال مجازات از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون خواهد بود (اصول ۳۸، ۳۷، ۳۶، ۳۵)

۲- مسئولیت پذیری

مسئولیت پذیری یک امر حیاتی برای حکمرانی خوب است، البته بدون وجود شفافیت و قانونمندی قابل اجرا نیست. مسئولیت پذیری حکومت در مقابل مردم و نیز مردم در مقابل حکومت و جامعه، عنصر مهم در ایجاد رابطه دوسویه و همکاری جویی و عدم شکاف بین حکومت و جامعه است که امروزه به دلیل پیچیده شدن جوامع و گسترش نیازها، این دوسویگی و تعامل برای ایجاد و استمرار حکمرانی ضروری است (سردارنیا و شاکری، ۱۳۹۳: ۴۳)



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای بایستی جهان اسلام
جمعیت تراست العالم الاسلامی

اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی، مسئولیت رهبری در برابر مجلس خبرگان. اصول ۱۳۶، ۱۲۲، ۸۹، ۸۸ در خصوص مسئولیت سیاسی رئیس جمهور در برابر ملت، رهبر و مجلس شورای اسلامی و در اصل ۱۴۰ در رابطه با مسئولیت کیفری آن مقام و در بند ۱۰ اصل ۱۱۰ در ارتباط با مسئولیت رئیس هیات وزیران توجه شده است.

- مسئولیت سیاسی وزیران در اصول ۸۸ و ۸۹ و ۱۳۷ و مسئولیت کیفری آنان در اصل ۱۴۰ قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است.

- اصل ۸۵ قانون اساسی، مسئولیت سیاسی نمایندگان مجلس در مقابل شهروندان.

- اصل ۱۷۱ در خصوص مسئولیت حقوقی قضات در صدور رأی و مفهوم خلاف اصل ۱۶۴ در رابطه با مسئولیت کیفری و اداری آنان در صورت ارتکاب جرم یا تخلف نیز جالب توجه است.

۳- پاسخگویی

در ایران اسلامی تمامی نهادها و قوای حاکم بر اساس قانون اساسی بایستی پاسخگویی عملکرد خویش باشند. در جدول ذیل نحوه‌ی پاسخگویی آنها نشان می‌دهد.

مقام رهبری	۱. براساس اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی پاسخگویی در مقابل مجلس خبرگان
رئیس جمهور	۲. پاسخگویی در برابر مردم (اصل یکصد و بیست و دوم قانون اساسی). ۳. پاسخگویی در برابر رهبری (اصل یکصد و بیست و دوم قانون اساسی). ۴. پاسخگویی در برابر مجلس شورای اسلامی اصول یکصد و بیست و دوم و هشتاد و نهم).
قوهی مقننه	۵. پاسخگویی در برابر شهروندان (اصل نودم قانون اساسی). ۶. پاسخگویی رهبری در پیروی از سیاست های کلی نظام
قوهی مجریه	۷. پاسخگویی در برابر مقام رهبری در پیروی از سیاست های کلی نظام. ۸. پاسخگویی در برابر مجلس شورای اسلامی برای اجرای قانون. ۹. پاسخگویی به تحقیق و تفحص ۱۰. پاسخگویی تذکر (ات)، سؤال و استيضاح نمایندگان (اصل هشتاد و نهم). ۱۱. پاسخگویی اجرای دقیق قانون بودجه نظارت به وسیله دیوان محاسبات). ۱۲. پاسخگویی شکایات مردمی از طرز عمل قوه مجریه (اصل نودم). ۱۳. پاسخگویی در برابر قوه قضائیه، احقاق حقوق شهروندان از طریق دیوان عدالت اداری و دادگاه‌های عمومی). ۱۴. پاسخگویی برای اجرای دقیق قوانین (با نظارت سازمان بازرسی کل کشور). ۱۵. بررسی دارایی رئیس جمهور، وزیران و معاونین رئیس جمهور توسط رئیس قوه قضائیه که بر خلاف حق افزایش نیافته باشد (پاسخگویی به رئیس قوه قضائیه).



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

<p>۱۶. پاسخگویی در برابر قوه مقننه بابت اجرا یا عدم اجرای قوانین</p> <p>۱۷. پاسخگویی در برابر مجلس بابت شکایات مردمی از طرز کار قوه قضائیه.</p> <p>۱۸. پاسخگویی در برابر مقام رهبری</p> <p>۱۹. پاسخگویی در برابر رئیس جمهور، البته لازم به ذکر است این نوع پاسخگویی در قانون اساسی به صراحت بیان نشده اما این پاسخگویی به موجب وظیفه رئیس جمهوری در اجرای قانون اساسی</p> <p>۲۰. پاسخگویی فقهای شورای نگهبان به مقام معظم رهبری</p>	قوه‌ی قضائیه
<p>۲۱. پاسخگویی صدا و سیما به مقام رهبری (گرچه به صراحت در قانون اساسی آورده نشده منتها از متن قانون اساسی قابل برداشت است).</p> <p>۲۲. پاسخگویی نیروهای مسلح به مقام رهبری.</p>	پاسخگویی سایر نهاد عمومی

۴- نظارت و کنترل پذیری

اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی در خصوص نظارت مجلس خبرگان بر رهبری و اصول ۱۳۳، ۱۳۶، ۹۰، ۸۹، ۸۸، ۷۶، ۵۵، ۵۴، ۵۲ قانون اساسی مبین نظارت مجلس شورای اسلامی بر قوه ی مجریه است.

اصول ۱۷۳، ۱۷۰، ۱۵۰، بند ۱۰ اصل ۱۱۰ در ارتباط با نظارت قوه ی قضائیه بر قوه ی اجرایی کشور است.

اصل ۵۷ و بند ۱ اصل ۱۱۰ نظارت رهبری بر قوه می سه گانه اختصاص یافته است. اصل ۱۴۲ قانون اساسی، رسیدگی به اموال و دارایی «رهبری»، «رئیس جمهور و معاونان وی و وزراء و خانواده آنها» را بر عهده رئیس قوه قضائیه قرار داده تا بر خلاف حق افزایش نیابد.

۵- امنیت

امنیت افراد انسانی در جلوه های مختلف مادی و معنوی قابل تصور می باشد که قانون اساسی ضرورت احترام به آن ها مکررا مورد تاکید قرار داده است. اصل بیست و دوم قانون اساسی مقرر می دارد: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

حیثیت که هم معنی آبرو، اعتبار و شئون اجتماعی می باشد. تجلی حیات معنوی افراد در روابط اجتماعی تلقی می گردد. بدین جهت است که اصل بیست و دوم قانون اساسی مصونیت حیثیت را نسبت به سایر موارد در مقام برتری قرار داده است. در روابط سالم اجتماعی، اصولا



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام

حیثیت افراد مصون است و نگرانی عمده ای از این بابت وجود ندارد. نگرانی از آن زمان آغاز می شود که پاره ای ارزش های منفی در جامعه رشد پیدا می کند و حیثیت افراد را مخدوش نماید (هاشمی، ۱۳۸۵: ۲۷۸). بر اساس این اصل از قانون اساسی بایستی برای شهروندان امنیت مالی، جانی، حقوق و مسکن نیز تأمین شده باشد.

۶- عدالت- محوری و برابری

نابرابری های اقتصادی و اجتماعی یکی از اوصاف مشترک همه جوامع به شمار می رود. اما استقرار عدالت اقتصادی و اجتماعی یکی از اهداف عالییه ای است که امروزه حکومت ها آن را در سرلوحه برنامه های خود قرار داده اند. در این راستا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه^۱ را به عنوان یکی از سیاست های اساسی دولت مقرر داشته است. این تکلیف قانونی ایجاب می کند که زمامداری کشور، با بهره برداری امکانات و استعداد های ملی، آن چنان سیاستی را پیش گیرد که نظر مذکور را تأمین کند. در این ارتباط، قانونگذار اساسی سیاست های ویژه ای را در زمینه ی تأمین اجتماعی^۲، حق کار^۳، سیاست گذاری اشتغال^۴، به کار انداختن آنفال و ثروت های عمومی^۵، توزیع عادلانه ی منابع طبیعی کشور^۶، استرداد ثروت های نامشروع^۷، اقتصاد خانواده^۸ و اقتصاد اجتماعی^۹ کار پیش بینی نموده است که اعمال صحیح آنها می تواند زمینه ساز عدالت اجتماعی و همبستگی ملی باشد.

با تامل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متوجه می شویم که عدالت در معنای مختلفی به کار رفته است از جمله:

۱. بند دوازده اصل سوم قانون اساسی-
۲. اصل بیست و نهم قانون اساسی .
۳. اصل بیست و هشتم قانون اساسی.
۴. بندهای دو و چهار اصل چهل و سوم قانون اساسی
۵. اصل چهل و پنجم قانون اساسی
۶. اصل چهل و هشتم قانون اساسی
۷. اصل چهل و نهم قانون اساسی
۸. برداشتی از اصل دهم قانون اساسی
۹. بندهای ۴ و ۳ و ۲ اصل چهل و سوم قانون اساسی



۱- عدالت به معنای برابری: اصل بیستم قانون اساسی، همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت از قانون قرار دارند.

۲- عدالت به معنای رفع تبعیض^۱.

۳- عدالت به معنای برقراری شرایط مساوی و برابری^۲.

۴- عدالت به معنای حق و حقوق متناسب^۳.

مشکلات عدم تحقق عدالت محوری در ایران:

- فقدان مفهوم مشترک از عدالت و برابری.

- فقدان آگاهی مردم

- عدم برخورد لازم و مناسب با متخلفان.

- عدم هماهنگی بین قوای حاکم در کشور.

- تخصیص و توزیع نامناسب منابع ثروت.

- عدم شفافیت مقررات اقتصادی و تجاری.

- ناکارآمدی قوانین موجود.

- نداشتن برنامه صحیح اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور.

وجود نهادهای موازی و تداخل مسئولیت آنها با یکدیگر (قلی پور، ۱۳۸۳: ۱۰۸-۱۰۷).

۷- مشارکت

مشارکت شهروندان در تعیین سرنوشت خود یکی از اصول بنیادین حقوق عمومی و علوم سیاسی محسوب می شود. بدین معنی که مشروعیت قدرت سیاسی مبتنی بر آزادی و ابتکار عمل شهروندان در تعیین سرنوشت خود و اداره کشور به حساب می آید. با قبول حاکمیت مردم بر سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش، مشارکت آنان در انتخاب زمامداران یکی از زمینه های بارز این حاکمیت می باشد (هاشمی، ۱۳۸۵: ۶۳۵). مشارکت سیاسی شهروندان در فرایند تصمیم سازی و تصمیم گیری و اجرای آن، شامل فعالیت شهروندان به صورت نماینده ی مردم یا یک مقام حکومتی و یا یک شهروند عادی می شود (GBP, 1992: 461-460). قانون

۱. اصل سه قانون اساسی بندهای ۱۲-۹.

۲. اصل ۲۸ قانون اساسی

۳. اصول ۳۰-۲۹ قانون اساسی



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای بانی جهان اسلام
جمعه نرسانت العالم الاسلامی

اساسی جمهوری اسلامی ایران، تاکید اساسی مبنی بر حضور و مشارکت شهروندان در تمامی عرصه ها وجود دارد. از یک سو اداره ی تمامی امور کشور بایستی با اتکا به آرای عمومی فراهم شود. فرایند های پیش بینی شده برای مشارکت شهروندان در قانون اساسی:

- مشارکت از راه انتخابات^۱.

- مشارکت از طریق نظارت همگانی^۲

- مشارکت اقلیت ها^۳

- مشارکت در تشکیل شوراها و عضویت در آنها^۴.

مشارکت شهروندان در فعالیت های اقتصادی: اصل ۴۴ قانون اساسی با مشروع دانستن مالکیت در سه بخش دولتی، تعاونی، خصوصی (مشارکت شهروندان در فعالیت های اقتصادی را مورد توجه قرار داده است.

- در نهایت مشارکت شهروندان در فرایند تصمیم سازی و تصمیم گیری از طریق همه پرسی^۵.

۱-۳ پیامدهای حقوقی حکمرانی خوب

- همان طور که بیان شد وحدت معنایی در مفهوم حکمرانی خوب وجود نداشته و صاحب نظران گاهاً با رویکردهای مختلف و حتی متضاد نسبت به آن ابراز نظر نموده اند، در اینجا فقط از منظر حقوقی به آن اشاره می شود، و با توجه به اینکه این مبانی بیشتر در خلال اعلامیه ها و قطعنامه های سازمانهای بینالمللی مطرح شده اند، این منابع در اینجا به عنوان مبانی اصلی توسعه و ترویج مطرح میگردند.

- مفهوم حکمرانی خوب اصولاً در منشور سازمان ملل و حقوق بینالملل ایجاد شده در سایه حمایت سازمان ملل ریشه دارد. اما در چند دهه اخیر رویکرد حقوق بشری و حق بنیادین به توسعه در اعلامیه ها و اسناد مختلف گسترش یافته است. کمیسیون حقوقی سازمان ملل طی قطعنامه ای ۲۰۰۰/۶ به بیان ویژگی های اساسی حکمرانی خوب پرداخته است که عبارتند از:

۱. اصول ۵۹ و ۶ قانون اساسی.

۲. اصل ۸ قانون اساسی

۳. اصول ۲۴ و ۲۶ قانون اساسی

۴. اصول ۷ و ۱۰۰ قانون اساسی

۵. اصل ۵۹ قانون اساسی-



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بنیادین اسلام

- شفافیت^۱، مسئولیت^۲، پاسخگویی^۳، مشارکت^۴، حاکمیت قانون^۵ و انعطاف پذیری^۶.
- قطعنامه ۲۰۰۰/۷ نیز ضمن تأکید بر قطعنامه قبلی خود، حکمرانی مطلوب را به معنی مشارکت بیشتر توأم با پاسخگویی افزون تر معرفی کرده است.
- مفهوم حکمرانی خوب توسط کمیسیون حقوق بشر در قطعنامه ۲۰۰۰/۶۴ تبیین شده است. در این قطعنامه عناصر کلیدی حکمرانی خوب عبارتند از: شفافیت، مسئولیت پذیری، پاسخگویی، مشارکت و حساسیت.
- این قطعنامه به روشنی حکمرانی خوب را به محیط توانمند سازی که سر چشمه و موجب برخورداری از حقوق بشر و تشویق رشد و توسعه ی انسانی پایدار است ارتباط می دهد. با اتصال حکمرانی خوب به توسعه می انسانی پایدار، از طریق تأکید بر اصولی همچون پاسخگویی، مشارکت، برخورداری از حقوق بشر و مردود دانستن رویکردهای تجویزی به کمک های توسعه، قطعنامه مزبور بر رویکرد حق محور نسبت به توسعه بنا نهاده شده است (هداوند، ۱۳۸۹: ۲۰).
- با توجه به اینکه، حکمرانی خوب، مدلی است برای به کارگیری بهتر اختیار به منظور استفاده از حداکثر توان موجود در جامعه برای دست یابی به اهداف توسعه پایدار در همه ابعاد جامعه می باشد. برخی از پیامدهای حقوقی حکمرانی خوب عبارتند از:
۱. نگاه واقع گرایانه در مورد اداره امور کشور می باشد.
 ۲. تقویت مشارکت شهروندان در فرایند تصمیم سازی و تصمیم گیری.
 ۳. اعتماد شهروندان به برنامه های کارگزاران و پشتیبانی قوی شهروندان از آنها.
 ۴. تقویت مشروعیت نظام سیاسی.
 ۵. افزایش آگاهی شهروندان نسبت به حقوق متقابل خود و حکومت
 ۶. ایجاد فرصت های برابر در تمامی زمینه ها.

1. Transparency
2. Responsibility
3. Accountability
4. Participation
5. The rule of law
6. Responsiveness

۷- توسعه پایدار انسانی

۸- توسعه مردم سالاری و تقویت مشارکت شهروندان، افزایش احترام به حقوق بشر و تقویت همبستگی اجتماعی.

۹- کاهش فساد و تقویت سلامت اداری و مخالفت با قانون گریزی و هنجارشکنی.

- همچنین برخی از صاحب نظران دیگر بر این باورند که کاربست مؤلفه های حکمرانی خوب پیامدهایی به همراه خواهد داشت که عبارتند از:

۱- ایجاد توسعه ی پایدار انسانی و نیز حمایت و حفاظت از فرصت های زندگی و منابع برای نسل های آینده شامل توانمندسازی، افزایش رضایتمندی، جلوگیری از تحقق شکاف های اجتماعی، پاسخگویی به مطالبات شهروندان، افزایش مشارکت شهروندان و سایر کنش گران در فرایند تصمیم گیری.

۲- تقویت سرمایه های اجتماعی، سیاسی و انسانی.

۳- کاهش فساد، ارتقای سلامی اداری و مقابله با قانون گریزی و هنجارشکنی.

۴- توسعه ی مردم سالاری، گسترش تکرگرایی، افزایش احترام به حقوق شهروندی و تقویت همبستگی اجتماعی.

۵- تحقق مؤلفه های حکمرانی سبب ارتقای میزان اعتماد اجتماعی می شود.

۶- به وجود آمدن نگرشی واقع گرایانه در اداره امور کشور، حفظ وضعیت اخلاقی و عدالت در توزیع مزایای ناشی از نگرش واقع گرایانه به منظور رضایت شهروندان.

۷- سازماندهی منظم و منضبط امور کشورداری با استفاده از جنبه های برتر تفکر سیاسی، اجرایی.

۸- به طور کلی برای اینکه یک حکمرانی، حکمرانی خوب تلقی شود بایستی کارکردهای زیر داشته باشد:

- قانون گرایی؛ نگرش راهبردی در حل مسائل کشوری؛ بستر سازی لازم برای مشارکت شهروندان در فرایند تصمیم گیری، تصمیم سازی و اجرای آن؛ شفافیت در عملکرد دولتمردان؛ مسئولیت پذیری و پاسخگویی کارگزاران؛ اولویت دهی برای حل مسائل مربوط به فقر و بیکاری و مانند آن؛ افزایش آگاهی برای تأمین حقوق اقلیت ها و حقوق زنان.



- برخی صاحب نظران در عرصه ی علوم سیاسی، اقتصاد و حتی حقوق عمومی بر این باورند که؛ رشد اقتصادی به صورت خودکار، توسعه انسانی را به دنبال دارد، اما معمولاً با رشد اقتصادی تنها در برخی از جنبه ها توسعه ی انسانی حاصل می گردد ولی بر امور دیگر این رشد و توسعه تأثیری نمی گذارد. بدون حکمرانی خوب، رشد اقتصادی در جامعه، یکنواخت و هماهنگ نخواهد بود و به ایجاد شکاف در بخش های اقتصادی و اجتماعی منجر می شود. حکومت های مسئولیت پذیر، پاسخگو و قانون گرا به طور گسترده از چنین مرزبندی در بخش منابع و نیروی انسانی خود جلوگیری می کنند. به هر حال، حکمرانی خوب مانند بسیاری از امور دیگر به صورت تصادفی حاصل نمی شود. بلکه نیازمند قواعد نظام مند و برنامه ریزی دقیق است. حکمرانی خوب نتیجه برنامه ریزی مدون، مشارکت کارآمد و تصمیم گیری منطقی و معقول است (خلفخانی، ۱۳۹۱: ۵۸۲-۵۸۱).



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های سیاسی جهان اسلام
جمعیة ترانس العالم الاسلامی

۳. بحث و نتیجه گیری

دولت یکی از بازیگران اصلی در حکمرانی خوب محسوب می شود و دارای نقش مهم و تاثیرگذاری است و سایر نهادهای خصوصی و مدنی با همکاری بخش دولت می توانند فعالیت خود را در استقرار حکمرانی خوب تسهیل و تسریع نمایند. ضرورت وجود ظرفیت و توانایی لازم در بخش دولت برای اجرای سیاست های حکمرانی خوب نیز از نکات مهمی است که بدون توجه به آن اعمال حکمرانی خوب امکان پذیر نخواهد بود.

نظریه حکمرانی خوب که با ویژگی هایی مانند مشارکت، شفافیت، پاسخگویی اثربخشی و کارآیی و حاکمیت قانون تعریف می شود، الگویی برای توسعه پایدار انسانی با ساز و کار تعامل عملی سه بخش دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است. این الگو به دنبال نقش حداقلی دولت و توانمند سازی نهادهای مدنی و بخش خصوصی می باشد. در این راستا بر رفتار تعاملی سه بخش دولت، نهادهای مدنی و بخش خصوصی تأکید می شود و معتقد است دولت باید نقش هماهنگ کننده و تنظیم گر خود را تقویت نموده و به جای تصدیگری به تنظیم و تسهیل روابط بپردازد. در الگوی حکمرانی خوب بحث از دولت نماینده و دولت مشارکتی است که از این طریق راه را برای فعالیت سایر بخش ها هموار می سازد. به منظور اعمال نقش فوق، الگوی دولت تسهیل گر در حکمرانی خوب با متغیرهایی مانند دموکراسی، مشارکت، پاسخگویی، عدالت محوری و اثر بخشی پیشنهاد شده که در صورت تحقق متغیرهای فوق در دولت، تعامل بین آن و دو بخش دیگر بیشتر خواهد شد.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای بنیادی جهان اسلام

منابع

آشوری، داریوش (۱۳۷۹) ما و مدرنیته، تهران، نشر موسسه فرهنگی صراط
امامی، محمد و زرگوش، مشتاق (۱۳۸۷). جنبه‌های درونی نظریه حاکمیت قانون در پرتو دکترین حکمرانی
خوب. پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی. سال سوم. شماره ۹.
زارعی، محمدحسین (۱۳۸۳). حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت ایران، دوره ۷، شماره ۱۳۳، تابستان
۱۳۸۳

راعی، مسعود و عطریان، فرامرز (۱۳۹۱). حاکمیت قانون و احکام حکومتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی
ایران. فصلنامه حکومت اسلامی. سال هفدهم. شماره ۱.
رهنورد، فرج اله و عباسپور، باقر (۱۳۸۶). حاکمیت خوب و امکان پیاده سازی آن در ایران. مطالعات مدیریت
تحول. شماره ۵۵.

سردارنیا، خلیل و شاکری، حمید (۱۳۹۳). تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه‌گرا.
مجله مطالعات حقوقی. دوره ششم. شماره ۴. زمستان.

قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۳) تحلیل و امکان‌سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران با تاکید بر نقش دولت،
نشریه دانش مدیریت، شماره ۶۷ صص ۱۱۱-۸۵.

هداوند، مهدی (۱۳۸۴). حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر. نشریه حقوق اساسی. سال سوم. شماره ۴.
هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. تهران: نشر میزان.

Rose, J. (2004). "The Rule of Law in the western world: an overview". Journal of social
philosophy. Vol.35.No.4.

1. Frey, Klaus (2014). Development, Good Governance, and Local Democracy.
2. GBP. (1992). "Political Participation". The Blackwell encyclopedia of political science, edited by Vernon bogdanov, Blackwell.
3. Graham, John Amos (2011), Bruce and Time Plumtpre Principles for Good Governance in the 21st Century, Policy Brief No.15 August 2003.
4. Harris, J. David (2008), "A Discourse Analysis of Institutionalized in The Field of New Zealand Rugby 1885 and 2005", at Massey University, Palmerstone North and New Zealand, Book, online in English.
5. Kaufman, D., Kraay, A. (2007). Governance Indicators: Where Are We, Where should we be going? Global Governance Group. Policy Research Working Papers. No, 4370, Washington DC: World Bank.
6. Kooiman, J. (2003). Governing as Governance. SAGE Publication. London. Thousand Oaks .Calif. and New Delhi.



فصلنامه علمی - پژوهشی
انجمن مطالعات جهان اسلام
جمعیت ترانس آلمانی اسلامی

7. Mobius M. (2012), "good governance is a global challenge", corporate board, Vol. 22, No. 131.
8. Rahimi, Roohollah & shakeri, hamid (2016). Reflection on corruption of judicial system and offer solutions for its health promotion. journal International political and law. Vol.2.No.27.
9. Rose, J. (2004). "The Rule of Law in the western world: an overview". Journal of social philosophy. Vol.35.No.4.
10. Singh, N. (2014). Decentralization and legal empowerment. In Decentralizing governance. Emerging concepts and practices, ed. G. Shabbir Cheema and Dennis A. Rondinelli, 229-241. Washington DC: Brooking Institution Press.
11. Smith, B. C. (2015). Good governance and development. Houndsmills/New York: Palgrave MacMillan.
12. Stratford, Elaine (2007). Sustainable development and good governance: Pathways to good Practice in regional governance. No.3.
13. Un Escap (2002) "What is Good Governance?" At: [http://www. Unescape. Org/huset/22/Governance.htm](http://www.Unescape.Org/huset/22/Governance.htm).
14. UNDP (2000) .Characteristics of Good governance. The Urban Governance initiative TUGi.
15. UN-HABITAT (2002). The global campaign on Urban Governance. www.unhabitat.org.

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۴۰۲

بهرامی، محمد باقر؛ اکبر زاده، فریدون؛ شهابی، روح اله؛ جلال پور، شیوا (۱۳۹۹)، «حاکمیت قانون و پیامدهای حقوقی حکمرانی خوب در ایران» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۱۰، ش ۴، زمستان ۹۹، صص ۲۷-۴۷.